

ضرورت وجودی و اهمیت کارکردی بازگشت به اجتماعات محلی (گسست‌ها و فرصت‌ها)

محسن ابراهیم‌پور^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۷/۱۰/۱۵)

چکیده

کارکرد و نقش تاریخی جامعه روستایی ژرف‌تر و گسترده‌تر از فرهنگ کشاورزی و عرضه مازاد تولید و نیروی انسانی به بخش‌های شهری، صنعتی، هنری و تجاری است. در حوزه کشاورزی، فرآیندهای عمقی شدن کشت و اکتشافات و اختراعات مربوط به آن معلول سرشت ارزشمند جامعه روستایی است. این پژوهش با استفاده از روش‌های اسنادی و پیمایشی اجرا شد. از میان حدود ۳۰۰۰ کتاب و گزارش علمی و پژوهشی، سیصد منبع با همکاری دانشجویان ارشد توسعه روستایی مرور و مقوله‌بندی شد. نگارنده با استفاده از داده‌های پیمایشی و آمارهای نمونه‌ای، به تحلیل شاخص‌های روستایی و کشاورزی پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که در طول دهه اول انقلاب و در پی توسعه مشارکتی، استانداردهای زیستی بسیاری از روستاها و مناطق محروم افزایش یافته، میزان مرگ‌ومیر اطفال کاهش پیدا کرده و سطح برخورداری و آگاهی روستاییان بالا رفته است، اما در پی بخشی‌شدن ساختار توسعه روستایی، که دیرزمانی تا سطح وزارتخانه ارتقا یافته بود، بسیاری از شاخص‌های توسعه در دو دهه اخیر سیر نزولی داشته است. باوجوداین، جوامع روستایی‌ای که ۳۸/۵ درصد اراضی زراعی دارند، بیش از ۵۰ درصد محصولات غذایی و ۷۰ درصد محصولات کاربردی را تولید می‌کنند. از آنجاکه توسعه روستایی و رشد کشاورزی دو روی یک سکه‌اند، پیشرفت هم‌زمان و

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی
ebrahimpourmohsen@yahoo.com

توأمان جوامع روستایی و کشاورزی و کاهش حاشیه‌نشینی شهری در گرو تحقق اصول راه‌بردی حمایت‌گرایی نوین قرین موفقیت خواهد بود. از طرف دیگر، نسبت متوسط درآمد خانوار روستایی، از ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۱، به ۵۶ درصد در سال‌های اخیر تنزل یافته است. افزایش ضریب انگل و روند فزاینده نابرابری بین جوامع روستایی و شهری هم در افزایش سوء‌تغذیه و بیماری و شتاب حاشیه‌گزینی مؤثر است. در نتیجه، ضروری‌ترین راه‌کار جهت تعدیل طغیان حاشیه‌علیه متن، بازگشت به اجتماعات محلی و ایجاد نهاد هماهنگی و مدیریت توسعه روستایی است. این مقاله به شرح چگونگی و فرآیند چنین کوششی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: روستا، نهاد، توسعه، تعادل.

طرح مسئله

گذار از عام‌ترین نظام بهره‌برداری پیش از اصلاحات ارضی، یعنی مزارعه و مناسبات ارباب و رعیتی، به نظام خانوادگی و دهقانی امروز، توسعه کشاورزی را با پیشرفت جامعه روستایی پیوند داده است (وثوقی، ۱۳۹۰). در کشور ما، بدون آگاهی از زندگی روستاییان نمی‌توان درباره کشاورزی سخن گفت (گودال، ۱۹۷۶؛ بک‌من، ۲۰۱۳). روستا در جامعه ایرانی اهمیتی هستی‌شناختی و وابسته به تمدن دارد. جامعه روستایی ایران خاستگاه بسیاری از اندیشه‌ها، هنرها، فرهنگ و گهواره تمدن و شهرنشینی است. حتی، استمرار و پویایی ادبیات و زبان فارسی، که در پی استیلای دویست‌ساله سلوکیه و زبان یونانی به محاق افتاده بود، به جوامع روستایی ایران منوط است. خدمت و نقش تاریخی جامعه روستایی ژرف‌تر و گسترده‌تر از فرهنگ کشاورزی و عرضه مازاد تولید و نیروی انسانی به بخش‌های شهری، صنعتی، هنری و تجاری است. اکتشافات و اختراعات در حوزه کشاورزی نیز ناشی از سرشت جامعه روستایی است. نظام‌های بهره‌برداری کمتر از ده‌هکتار، که ۳۸/۵ درصد اراضی زراعی دارند، بیش از ۵۰ درصد محصولات غذایی و ۷۰ درصد محصولات کاربردی را تولید می‌کنند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳). بخش کشاورزی ایران در انتقال دانش بومی، استمرار تولید دهقانی (خانوادگی)، افزایش انگیزش کشاورزان، گسترش شبکه‌های کارآفرینی، توان بالای سازگاری با تحولات و تغییرات محیطی-انسانی، و خودکفایی در تولید غذا، به جامعه روستایی وابسته است. فرآوری محصولات، حفاظت از اراضی کشاورزی، و منابع و چشم‌اندازهای طبیعی نیز به حمیت و همت جامعه روستایی منوط است (زارعی، ۱۳۹۷).

جامعه روستایی ایران، در طول هزاران سال، هویت‌بخش ایران بوده است. این جامعه هم غذا و امنیت سرزمین را تأمین می‌کرده و هم مازاد تولید و نیروی انسانی خود را به شهرها عرضه می‌کرده است. نه تنها انتقال میراث فرهنگی و بازسامانی هویتی از کارکردهای جامعه روستایی بوده است، بلکه تداوم نسل ایرانی، که در پی حملات بنیان‌برافکن و تمدن‌سوز اقوام گوناگون، به شدت در آستانه نابودی بود، از جمله نقش‌های تاریخی جامعه روستایی به‌شمار می‌آید. بیش از شصت‌هزار روستا و صد‌هزار آبادی پشتوانه راه‌بردی حدود ۱۳۰۰ شهر کشور است. جامعه ایران، برخلاف کشورهایمانند آمریکا، کانادا و استرالیا، که "شهرپایه" محسوب می‌شوند، خاستگاه "دهقانی" دارد.

در دهه‌های اخیر، جهاد سازندگی با اجرای ۱۵۰ هزار طرح عمرانی در طول دهه اول انقلاب، و توسعه مشارکتی در بسیاری از روستاها و مناطق محروم، زمینه بهبود وضعیت زندگی روستاییان را فراهم کرد. فعالیت‌های توسعه‌محور، از قبیل گسترش ارتباطات و تعاملات، افزایش دسترسی‌ها، بسط تأمین اجتماعی و همگانی‌شدن بیمه‌های درمانی، میزان امید به زندگی را به ۷۲ سال رساند و سبب عمومیت‌یافتن خانواده‌هسته‌ای و اشاعه میل به ارتقای اجتماعی در میان زنان و دختران روستایی شد (زنجانی، ۱۳۹۰؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ازکیا، ۱۳۹۰؛ وثوقی، ۱۳۷۴؛ رستمی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳)، اما ناهماهنگی و ضعف ساختاری در فرآیند کنونی توسعه روستایی، بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار داد.

در وضعیت کنونی، روند اضمحلال جامعه روستایی از مهم‌ترین موانع توسعه ایران است. حدود یک‌دهه است که اضمحلال جامعه روستایی و بحران حاشیه‌گزینی آهنگی شتابان گرفته است، اما جامعه روستایی، به دلیل دانش تاریخی و پویایی فرهنگ بومی، همچنان در مقابل اضمحلال مقاومت می‌کند. جامعه روستایی در ایران، که خاستگاه تمدن و مهد دانشمندان بزرگ بوده است، همواره و تا دهه‌های اخیر، در مقایسه با جامعه شهری، حیات پررونق‌تر و بهره‌وری بیشتری داشته است.

از آنجاکه توسعه روستایی و رشد کشاورزی دو روی یک سکه‌اند، پیشرفت هم‌زمان و توأمان حوزه روستایی و کشاورزی ضرورت دارد. چنانچه در برنامه ششم به فراروایت‌ها و اصول استعلایی پیشرفت روستایی و نهادینه‌شدن ساختاری پرداخته نشود، فرآیند اضمحلال جامعه روستایی، که در قالب پدیدارهای حاشیه‌نشین‌شدن هفت تا ده‌میلیون نفر در مکان‌های بی‌هویت و پیرامونی شهرهای بزرگ، و چالش‌های فرهنگی رخ می‌نماید، شدت خواهد گرفت و به قطبی‌شدن کمیت‌های جمعیتی منجر خواهد شد. چنان‌که نتایج تفصیلی سرشماری‌های ۱۳۸۵

و ۱۳۹۵ روشن می‌کند که بیش از ۷۰ درصد مهاجرت‌ها از روستا به شهر اتفاق افتاده است. در طول دودهه اخیر، حدود بیست میلیون نفر از روستا به شهر مهاجرت کرده‌اند. حال، مسئله این است که چرا جامعه روستایی ما در معرض نابودی است؟ آیا کاربست دیدگاه‌های نئولیبرال و پول‌سالار به قطبی شدن جمعیت و امکانات، و ادغام روستاها در شهرها منجر شده است؟ آیا الگوی توسعه کشورهای نفت‌خیز با چنین پیامدهایی در پیوند است؟ آیا بقیه کشورهای جهان سوم نیز با همین سرعت در حال ازدست‌دادن جامعه روستایی هستند؟ چرا کشورهای پیشرفته‌ای مانند ژاپن و کشورهایی مانند کره جنوبی، برزیل، اندونزی و مالزی، به موازات صنعتی شدن، به توسعه جامعه روستایی نیز پرداخته‌اند و نتایج مثبتی گرفته‌اند؟ واقعیت این است که بحران حاشیه‌نشینی و خطاهای نظام‌مند، در ضعف ساختار فربخشی متناسب با پیشرفت جامعه روستایی ریشه دارد. پیشرفت هم‌زمان و توأمان منابع روستایی و کشاورزی ضرورتی انکارناپذیر دارد. ماهیت توسعه روستایی، در همه ساحت‌های وجودی و کارکردی، از الگوهای شهری مستقل است. تلقی تک‌بعدی و محصول‌محور نیز به‌اندازه بخشی‌نگری خطاست. در پژوهش حاضر، با تحلیل بیش از ده میلیون داده، به ضرورت هماهنگی دو موضوع مهم پیشرفت روستایی و کشاورزی پرداخته خواهد شد.

چارچوب نظری

در چندسال اخیر، درباب موضوع امنیت کارآفرینی و پیشرفت پایدار، بر کارکردهای مثبت رویکردهای محلی و نهادهای سنتی مانند خانواده (گرین، ۱۹۸۴؛ مک‌نیکل و کین، ۲۰۰۶؛ اکلمن و سکافیلد، ۱۹۸۶) تأکید شده و حاشیه‌گزینی، به‌مراتب، خطرناک‌تر از تلقی جامعه روستایی به‌مثابه بانک رأی^۱ و انحراف قواعد مردم‌سالاری ارزیابی شده است. فروپاشی جامعه روستایی صرفاً یک‌روی سکه‌ای است که روی دیگر آن، تشدید بحران‌هایی نظیر حاشیه‌نشینی کنونی و آسیب‌های اجتماعی‌ملازم آن است (زنجانی، ۱۳۹۰؛ ازکیا، ۱۳۷۴). پیش‌شرط مدیریت بحران در شهرهای به‌شدت آسیب‌پذیری مانند تهران، بازآفرینی پیشرفت روستایی است (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳).

در نظریات جدید توسعه و الگوهای توسعه روستایی و محلی، کشاورزی خانوادگی و روستایی به‌مثابه بنیان مطمئن امنیت غذایی شهرها در کانون توجه است. بازگشت به پدیدارهایی که دیرزمانی مانع رشد کشاورزی تلقی می‌شدند، با راه‌کارهایی مانند برنامه‌ریزی

۱. درحوزه جامعه‌شناسی سیاسی برخی جامعه روستایی را به‌مثابه بانک رأی جهت افراد و نهادهای ذینفوذتلقی نموده‌اند که ممکن است در نظام‌های مردم‌سالار و با سوءاستفاده از فقر روستایی منجر به تغییر در انتخاب‌ها گردد.

مشارکتی، تشکیل واحدهای توسعه ناحیه‌ای، توان‌افزایی، ماندگاری انگیزشی، تأمین کمینه‌های معیشتی، تحقق عدالت سرزمینی و تعادل فضایی عملیاتی می‌شوند. در بین چهار پارادایم توسعه، یعنی نوسازی استانداردها، توسعه به‌مثابه رهایی، توسعه مشارکتی و توسعه مردم‌محور، در ساحت شناختی اصول حمایت‌گرایی، سرزمین‌محوری و آگاهی‌بخشی در الگوهای مردم‌محور کارآمدی و اثربخشی لازم را جهت بازگشت به اجتماعات محلی دارند.

اصول مشروط توسعه مردم‌محور

با مرور حدود سیصد اثر مکتوب در حوزه توسعه روستایی، اعم از کتاب و گزارش پژوهشی، جهت تدوین برنامه راه‌بردی توسعه روستایی نکات اساسی ذیل به‌دست آمد:

الف) توسعه روستایی ذاتی پیشرفت کشور است؛

ب) اهمیت پیشرفت هم‌افزای (سینرژیک) اجتماعات شهری و روستایی؛

ج) اهمیت توسعه نهادی و مشارکتی مبتنی بر تشکل‌های بینابین؛

د) تکمیل‌گرایی متقابل و هم‌راستای کارکردی سرزمینی؛

ه) پایداری کارکردمحور زیست‌جهان منطقه‌ای؛

و) پیشرفت مبتنی بر فهم و خواست، از بینش تا راه‌کار؛

ز) توسعه یادگیرانه مردم‌محور (با مردم و برای مردم).

روش‌شناسی

روش بررسی اسنادی است؛ در آغاز با تهیه کتاب نامه توسعه روستایی از حدود ۳۰۰۰ منبع در حوزه‌های توسعه روستایی (اعم از کتاب و گزارش علمی-پژوهشی)^۳ سیصد منبع انتخاب و با طی مراحل مرور منابع مورد استفاده قرار گرفتند. همچنین از داده‌های مرکز ده‌های ایران، از منابع آماری بانک مرکزی، مرکز آمار ایران، وزارت جهاد کشاورزی، به‌ویژه سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن، کشاورزی، آمارنامه‌ها و داده‌های آماری هزینه و درآمد محصولات کشاورزی استفاده شده است.

۱. نهادهای بینابین یا واسطه‌ای تسهیل‌کننده کارکردهای نهادی‌های کلان تعبیر شده‌اند.

۲. در اصول توسعه گزینه‌ای سرزمین‌گرایی در مقابل کارکردگرایی تعریف شده و تکمیل‌گرایی نیز یکی از مولفه‌های سرزمین‌محوری توسعه‌ای است.

۳. تهیه کتاب نامه و فیش برداری از منابع با همکاری دانشجویان کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران صورت گرفت.

وضعیت جامعه روستایی

تحلیل واریانس تغییرات جامعه روستایی با استفاده از روش‌های درزمانی، از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۹۵، نه تنها مهاجرفرستی توده‌وار، قطبی شدن جمعیت و امکانات، و تجدید ساختار سکونت را نشان می‌دهد، بلکه تفاوت‌های معنی‌داری را نیز در ساختار اجتماعی و ترکیب‌های جمعیتی به‌نمایش می‌گذارد (زنجانی، ۱۳۹۰؛ رستمی و ابراهیم‌پور، ۱۳۹۳). از طرف دیگر، نشان می‌دهد که سطح هم‌گرایی با هنجارهای شهری در ساخت خانواده، میزان باروری، و سبک زندگی شهری نیز معنی‌دار است. نکته اساسی ضرورت هماهنگی درونی جهت ایفای کارکردهای شش‌گانه به‌ویژه تأمین مواد غذایی و پایداری زیستی است.

کمیت‌های جامعه روستایی، اعم از امکانات حیاتی و مکانی، فعالیت‌های اقتصادی در بیش از سه‌هزار عنوان شغلی و روند تغییرات در روستاهای کوهستانی، کوه‌پایه‌ای، دشتی، گرمسیری، سردسیری و روستاهای واقع در مناطق معتدل و حتی نواحی مرزی کشور گزارش شده است.^۱ در این بخش، نتایج محاسبات سال اخیر آمده است:

جمعیت روستایی کشور از ۲۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۷۰، به حدود ۲۱ میلیون نفر در سال ۱۳۹۵ تنزل یافته است. از سال ۱۳۳۵، همواره رشد مطلق جمعیت روستایی کمتر از رشد طبیعی بوده است؛ باوجوداین، تا سال ۱۳۷۰، میزان رشد مطلق مثبت بوده است و روند رشد منفی جمعیت روستایی از سال ۱۳۷۵ به آهنگی در حدود پنج‌درهزار تا سال ۱۳۹۵ دوام یافته است. فراوانی آبادی‌های دارای کمتر از بیست‌خانوار (که به‌طور میانگین ۲۵۰۰۰ آبادی است)، از ۳۱ درصد در سال ۱۳۶۵، به ۲۵ درصد در سال ۱۳۹۵ تنزل یافته و نسبت جمعیتی نیز از ۴ درصد، به حدود ۳ درصد کاهش یافته است. تمرکز بیش از ۵۵ درصد جمعیت روستایی در آبادی‌های دارای ۲۰۰ تا ۵۰۰ خانوار از ویژگی‌های مهم جمعیت‌شناختی است.

دامنه تغییرات جمعیت روستایی در سال ۱۳۹۵ به ترتیب از ۵ درصد در استان قم و ۶ درصد در استان تهران تا ۵۲ درصد در استان سیستان و بلوچستان، ۴۷ درصد در استان گلستان، ۴۵ درصد در استان هرمزگان، و ۴۴ درصد در استان کهگیلویه و بویراحمد و استان خراسان شمالی گزارش شده است.

در طول سال‌های اخیر نیز جمعیت در روستاهای کوچک کمتر و در روستاهای بزرگ بیشتر شده است و در سال ۱۳۹۵ بیشترین تمرکز و قطبی شدن در روستاهای دارای بیش از ۵۰۰ خانوار گزارش شده است. بالغ بر نیمی از اراضی کشاورزی در روستاهای مهاجرفرست با

۱. برنامه راهبردی تحقیقات و توسعه روستایی را نگارنده با مشارکت استادان و نمایندگان وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با روستا تدوین کرده است.

جمعیت کمتر از ۵۰۰ نفر واقع بوده است. از ۱۰۹۴۳۰۷۷ هکتار زمین کشاورزی در جامعه تحت بررسی، ۴۰ درصد آبی بوده است. این شاخص در آبادی‌های جلگه‌ای ۵۳ درصد و در آبادی‌های کوهستانی- جنگلی ۱۶ درصد بوده است. نسبت اراضی آبی، از ۴۷ درصد در آبادی‌های برخوردار، تا ۳۲ درصد در آبادی‌های فاقد امکانات، متغیر بوده است. سرانه اراضی با مقیاس جمعیتی رابطه معکوس داشته است. نسبت مقیاسی فعالیت مولد کشاورزی، اعم از زراعت و دام‌داری، در آبادی‌های کوچک به مراتب بالاتر است.

تمرکز جمعیت در روستاهای جلگه‌ای و دشتی و دارای آب‌وهوای معتدل، گذار جمعیت از نقاط کوهستانی و پرشیب به نواحی هموار و کنار جاده‌ای، افزایش اراضی کشاورزی به‌ویژه اراضی آبی، کاهش میزان آیش، گسترش نظام چندکشتی، افزایش تولیدات کشاورزی، افزایش عملکرد در هکتار، افزایش محصولات تجاری و بالارفتن سطح عمقی‌شدن کشت هم‌بستگی معنی‌داری با عامل قطبی‌شدن دارند که از دیگر نتایج تحقیق است.

میزان رشد متوسط هزینه‌های خانوار روستایی، که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به ترتیب ۲۹ و ۲۰ درصد بوده است، در سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به ترتیب ۷ و ۵ درصد گزارش شده است. نسبت متوسط درآمد خانوار روستایی به خانوار شهری، از ۶۱ درصد در سال ۱۳۹۱، به ۵۸ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. نسبت متوسط هزینه خانوار روستایی به خانوار شهری، از ۶۶ درصد در سال ۱۳۹۱، به ۵۶ درصد در سال ۱۳۹۴ کاهش یافته است. به‌عبارت دیگر، شکاف برخورداری بیشتر شده است. نه‌تنها شاخص‌های رفاهی تنزل یافته است، بلکه احساس رفاه نیز صرفاً در میان ۷ درصد از جامعه روستایی تحت مطالعه در سطح بالا و مطلوبی گزارش شده است (از کیا، ۱۳۹۶).

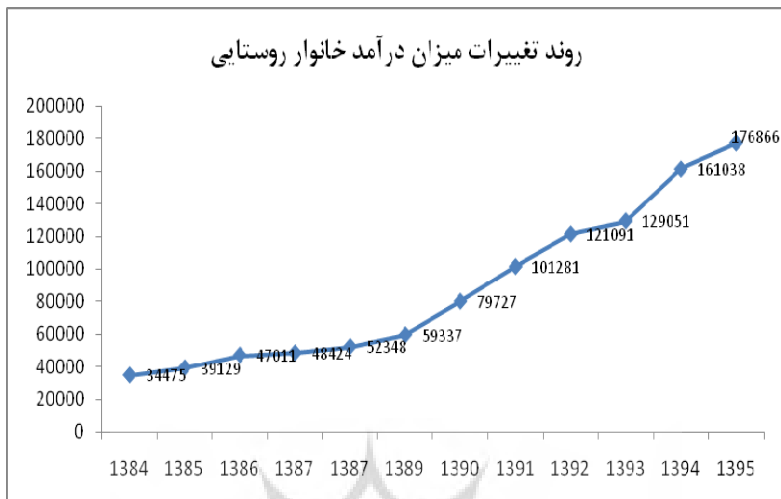
بیش از ۷۰ درصد مهاجرت‌ها از جامعه روستایی مبدأ به حوزه‌های شهری گزارش شده است. شاخص ترکیبی مهاجرفرستی با مقیاس کشاورزی رابطه معکوس دارد. تفسیر یافته‌ها در پرتو نظریه‌های تغییرات اجتماعی و قطبی‌شدن اهمیت کاربردی دارد. بسیاری از روستاهای خالی از ساکنان امکانات مناسبی دارند و کشاورزان، با وجود مهاجرت جوانان و نخبگان، از دانش بومی و انباشت فرهنگ کشت و زرع برخوردارند. به‌نظر می‌رسد سازوکارهای نهادی، تواناسازی، ظرفیت‌افزایی و تعدیل مسائل جامعه روستایی امکان‌پذیری این جامعه مولد را با وجود مردم کوشا فراهم می‌آورد.

جدول ۱. تغییرات شاخص‌های درآمدی و برخورداری جامعه روستایی

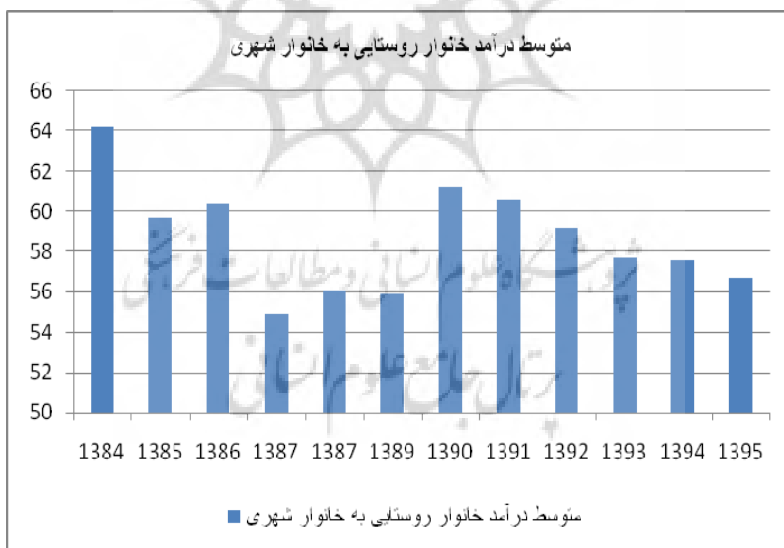
سال‌های پایه	میزان درآمد به هزار ریال	رشد درصدی درآمد خانوار	نرخ تورم	ضریب جینی	متوسط درآمد خانوار روستایی به خانوار شهری
۱۳۸۴	۳۴۴۷۵	-	۱۲		۶۴,۲
۱۳۸۵	۳۹۱۲۹	۱۴	۱۲,۴		۵۹,۷
۱۳۸۶	۴۷۰۱	۲۰	۱۷,۱		۶۰,۴
۱۳۸۷	۴۸۴۲۴	۳	۲۶,۷		۵۴,۹
۱۳۸۷	۵۲۳۴۸	۸	۱۰,۳		۵۶
۱۳۸۹	۵۹۳۳۷	۱۳	۲۰	۴۱	۵۵,۹
۱۳۹۰	۷۹۷۲۷	۳۴	۲۶,۵	۳۷	۶۱,۲
۱۳۹۱	۱۰۱۲۸۱	۲۷	۳۲,۷	۳۷	۶۰,۶
۱۳۹۲	۱۲۱۰۹۱	۲۰	۳۶,۱	۳۸	۵۹,۲
۱۳۹۳	۱۲۹۰۵۱	۱۵	۱۳,۷	۳۹	۵۷,۷
۱۳۹۴	۱۶۱۰۳۸	۱۶	۱۰,۶	۳۸	۵۷,۶
۱۳۹۵	۱۷۶۸۶۶	۱۰		۳۹	۵۶,۷

کمترین هزینه خانوار در سال ۱۳۹۶ معادل ۱ میلیون و ۳۸۸ هزار و ۶۴۶ ریال معادل ۰,۳ درصد مربوط به دخانیات بوده است. تحصیل به میزان ۷ میلیون و ۵۹۹ هزار و ۲۶۱ ریال معادل ۱,۸ درصد برای خانوار هزینه داشته است. بیشترین میزان رشد هزینه خانوار در سال ۱۳۹۶ مربوط به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها بوده است که ۱۰,۲ درصد رشد داشته است. هزینه مسکن نیز ۷,۱ درصد رشد داشته است.

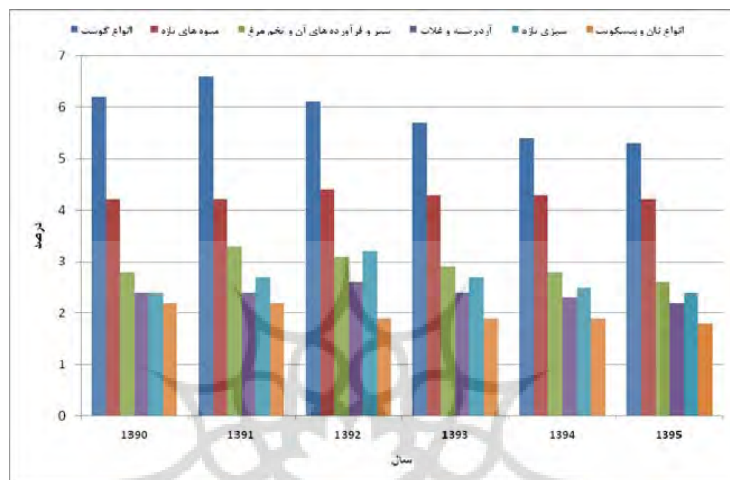
خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها، دخانیات، پوشاک و کفش، مسکن، آب، برق و گاز و سوخت‌های دیگر، لوازم و اثاث خانه، بهداشت و درمان، حمل‌ونقل، ارتباطات، تفریح و امور فرهنگی، تحصیل، رستوران و هتل و کالا و خدمات متفرقه ۱۲ قلم اصلی در سبد مخارج خانوار را تشکیل می‌دهند.



هرچند روند درآمدی خانوارهای روستایی مثبت و معنی‌دار است، در مقایسه با جامعه شهری، در سال‌های اخیر، سیر نزولی داشته است.



در پی شوک ارزی ۱۳۹۱، میزان مصرف مواد غذایی ارزان‌قیمت و یارانه‌ای افزایش معنی‌داری یافته است. البته، در جامعه روستایی، به‌استثنای شالی‌کاران، همواره مصرف نان و فرآورده‌های گندم بیشترین فراوانی را داشته است.



تحلیل آنوا^۱ نمایان می‌کند که کاهش سرانه مصرف گوشت قرمز و افزایش مصرف مواد غذایی مانند برنج خارجی و نان در استان‌هایی که نسبت جمعیت روستایی بیشتری دارند در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

¹ ANOVA

- طراحی درخت مسائل، استراتژی‌ها و اهداف، تعریف عملیاتی مسائل پژوهشی و غیرپژوهشی.^۱
- مسائل شناسایی شده عبارتند از:
- بحران هویت وجودشناختی جامعه روستایی؛
 - ساختار کم‌کارآمد سازمان‌های اداری؛
 - ضعف بنیان‌های نظری و سلطه خودبزرگ‌بینی در تعاریف غربی توسعه؛
 - سیاست رشدنگر و محصول‌محور در کوتاه‌مدت و کمیت‌نگری افراطی؛
 - ضعف مشارکت فعال نهادی؛
 - ابهام چشم‌انداز افق ۱۰، ۲۰ و ۵۰ ساله و تمرکز جمعیتی در مناطق حاشیه شهرها؛
 - ضعف بازتعریف اجتماعی‌شدن مدلول‌هایی مانند سرزمین‌گرایی، پویای فرهنگی، تراکم اخلاقی؛
 - گسست مدیریت گذار دوم فرهنگی و اجتماعی، انتقال دقیق و صحیح خمیرمایه‌های فرهنگ اجتماع تاریخی مانند شادی، آگاهی، آرامش، رهایی، شجاعت، اعتمادبه‌نفس، خانواده، کارآفرینی، دانش تاریخی؛
 - ضعف کشاورزی روستاپایه و دهقان‌محور در ۴۵۰۰۰ روستای کشور.^۲
- بحران وجودی جامعه روستایی در کاربست اصولی مانند فایده‌گرایی، استانداردسازی کنش مولد انسان و شیء‌وارگی ریشه دارد. اصول هستی‌شناختی در ساحت فردی و در سطوح فرهنگی به ثبات و پویایی هنجاری، تعارض‌زدایی از معنا و کنش، انطباق پویا، وفاق فرهنگی و تکوین خصلت اجتماعی در فرد می‌انجامد. انسان با وجود تعارض نمی‌تواند زندگی کند. نمی‌توان معلمی را شغل نامناسبی تلقی کرد و معلم شد. شاید در کوتاه‌مدت تعارض بین ذهن

۱. در انجام این مهم نمایندگان اغلب وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات غیردولتی فعال در حوزه توسعه روستایی حضور داشتند و بیش از بیست نشست تخصصی با حضور استادان دانشگاه، صاحب‌نظران و نماینده‌های وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها برگزار شد.

۲. در سلسله‌نشست‌های مشارکتی، علاوه بر نمایندگان اغلب نهادهای مرتبط با جامعه روستایی، آقایان دکتر وثوقی، دکتر شکوری، دکتر عمادی، دکتر ازکیا، خانم جهان‌نما در جایگاه رئیس گروه تخصصی زنان و خانواده روستایی، و آقایان دکتر رضوی‌زاده، رئیس گروه تخصصی آموزش، ترویج و ارتباطات، مهندس میزبان، رئیس گروه تخصصی جامعه عشایری، مهندس هومن، رئیس گروه تخصصی عمران و زیرساخت‌های عشایری، مهندس رحیمی در کمیته تخصصی اقتصاد روستایی، خانم مهندس روشنگر نقیب‌حضرتی دبیر برنامه، خانم مهندس سلطانی کارشناس امور زنان روستایی و ارشد تسهیلگری، خانم سلیمی دبیر کمیته‌های زنان و ترویج، آموزش و ارتباطات روستایی، و آقایان مهندس فلسفی، سیدمحمد موسوی، فرووش طهرانی و مهندس عفتی مشارکت داشتند.

و عین یا تمایل و تعامل ممکن شود، اما در طول حیات اجتماعی، این تعارض به آسیب‌های هویتی و بحران‌های شناختی، عقده‌های روانی و انحرافات شخصیتی منجر خواهد شد. هم‌نوایی انسان با خالق هستی‌بخش، وجود، جهان و دیگری، در پرتو پذیرش اصول هستی‌شناختی امکان‌پذیر است. برخی از مردم ساکن مناطق روستایی از روستایی‌بودن خود احساس حقارت می‌کنند. پیدایی الفاظی مانند دهاتی و چوپان، با تلقی اهانت‌آمیز، به بحران هویتی دامن زده است. چنانچه احساس حقارت از روستایی‌بودن درونی شود و استمرار یابد، به عقده حقارت منجر می‌شود که یکی از موانع پیشرفت است. هویت تاریخی و سرشت فرهنگی جامعه روستایی ایران با جوامع اولیه، ابتدایی و نانویسا تفاوت بنیادی دارد. جامعه روستایی ایران در احیا و انتقال میراث فرهنگی، به‌ویژه در پی حملات بنیان‌برافکن و گسست‌های تاریخی، فعال و کارآمد بوده است. جامعه روستایی ایران یکی از منابع غنی هم‌افزایی روستازادگان دانشمند است. کارکردهای اقتصادی و فعالیت‌های مولد و نیز تولید محصولات کشاورزی طیب با دستان پینه‌بسته مردم روستا و عشایر نیز اهمیت راه‌بردی دارد. دانش بومی روستاییان و نوآوری‌های فراوان در فرآوری، نگهداری، تبدیل و مبادله تولیدی، ذخیره‌ای منحصربه‌فرد از تراکم شناختی است.

نکته دوم بر اهمیت اصول غایی تأکید دارد. جامعه روستایی در طول ده سال اخیر به شدت آسیب دیده است؛ مهاجرت و حاشیه‌نشینی، که به مسئله‌ای اجتماعی و ملی تبدیل شده است، یکی از پیامدهای توسعه‌نیافتگی جامعه روستایی است. کافی است شاخص سرانه عمران روستایی با شهری مقایسه شود تا اندکی از عمق نابرابری‌ها و کم‌برخورداری‌ها رخ نماید (برخی این نابرابری را معادل ۴۰۰ برابر برآورد کرده‌اند). بدون شک و با وجود همه انتقادات، در پرتو فعالیت‌ها و انجام کار به‌مثابه تکلیف الهی در جهاد سازندگی، توسعه روستایی در ایران از بسیاری کشورها پیشی گرفت و در تعدیل نابرابری‌ها کارکردی نمایان داشت. اما، در طول دهه اخیر، نهادها و ساختارهای کلان، میانی و عملیاتی به وانهادگی شدیدی دچار شده‌اند. نگرش و برنامه‌ریزی بخشی به قطبی شدن شدیدتر جمعیت و امکانات منجر شد. برای رفع این مشکلات، ایجاد ساختاری فراتر از یک وزارتخانه ضرورت کارکردی و انسانی دارد. فراتر از وزارت توسعه روستایی، ایجاد قوه‌ای حیاتی هم‌عرض قوای مجریه، مقننه و قضائیه لازم است که یکی از اندیشمندان توسعه روستایی پیشنهاد کرده است.

نکته سوم، ضرورت بازگشت به اصول پیشرفت بدیل (گزینه‌ای)، سرزمین‌گرایی، تنوع کارکردی، پویایی فرهنگی و تکیه بر الگوی بومی توسعه کشاورزی و پیشرفت روستایی است. کشورهایی مانند ژاپن با رویکرد "یک روستا یک محصول" و با وجود پذیرش مدرنیسم و نوسازی صنعتی، جامعه روستایی و بخش کشاورزی را در طول سی سال اخیر متحول ساخته‌اند.

در نظریه جدید توسعه نیز مصادیق توسعه در سطح فردی، مرد سفیدپوست طبقه متوسط است. در سطح خانوادگی، معرف خانواده هسته‌ای متشکل از همسر و فرزندان، و در سطح اجتماعی، شهرهای اروپای شمالی و اسکاندیناوی است. در بازسازی مناطق روستایی زلزله‌زده شهرستان بم نیز تبلور چنین نگرشی مشاهده می‌شود. الگوی بازسازی مسکن در روستاهای بخش بروت، که به کوشش یکی از شرکت‌های وابسته به اروپای شمالی اجرا شد، تداعی‌کننده خانواده هسته‌ای، با شغل کارمندی و با هنجارها و کنش‌های غربی است. این مشخصات هم در معماری و هم در فضاهای درونی و کاربری‌ها تبلور یافته‌اند.

نکته چهارم، رویکرد رشدنگر در بخش کشاورزی است. در پارادایم جدید نیروی انسانی، سرمایه‌گذاران و خلاق، انسان توانا و بانگیزه تعریف شده است. راه‌برد و جهت‌گیری درونی^۱ از سال ۲۰۱۳ بر جهت‌گیری رشدمحور، بهره‌گیر و ستانده‌محور^۲ برتری وجودی یافته است. در پارادایم جدید بر دو اصل توانایی و تمایل نیروی انسانی تأکید شده است. تلقی مدیریتی از نیروی انسانی نیز متحول شده است، مفاهیم و نظریات مکتب مدیریت علمی (تیلوریسم)، سرمایه‌انسانی، و منابع انسانی به نیروی انسانی تحویل یافته است. بدون شک، هرکس که توانایی‌های لازم را کسب کند و فارغ از دغدغه تأمین معیشت، به فعالیتی که علاقه دارد و ارزشمند است بپردازد، بهره‌دهی ده‌برابری خواهد داشت. وضعیت کنونی مدل‌اندیشه و عمل انسان است. ذخیره دانش و اطلاعات هر شش‌ماه دوبرابر می‌شود و انسان به مرحله شکوفایی و خودیابی ارتقا می‌یابد. در حوزه کشاورزی نیز توجه به مردم روستایی، که تولیدکننده محصولات استراتژیک و حلال هستند، و تمرکز بر توانایی و انگیزه مردم روستا برترین فرصت و مزیت برای پیشرفت کشاورزی ایران است.

نکته پنجم، مشارکت فعال و نهادی کشاورزان و روستاییان در همه مراحل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. گسترش تشکلهایی که در پی اصلاحات ارضی ظاهر شدند نیز در وضعیت کنونی اهمیت دارد.

رویکرد ترتیبات نهادی بینابین^۳، که نظریه نگارنده برای پیشرفت کشاورزی و بخش روستایی است، به اقتضات و اصول جدید در ساحت معرفتی و روشی و سطوح ساختاری و نیز واگذاری قدرت و توان تصمیم‌گیری به این بخش وابسته است. بدون شک، نهادینه‌شدن نهادهای میانی و واسطه‌ای، یکی از راه‌های پیشرفت پویا و مستمر و یکی از موانع بروز اغتشاش‌های جمعی و نارضایتی‌های اجتماعی است. اتحادیه‌ها، اصناف، تعاونی‌ها، تشکلهای انجمن‌ها و

1. Input Oriented
2. Output Oriented
3. Intermediate Institutions

فعالیت‌های جمعی در بخش کشاورزی و جامعه روستایی از رشد کمی چشمگیری حکایت می‌کنند، ولی همانند کشورهای فرانسه و بلژیک، در تحقق اهداف وفاق اجتماعی، ثبات هنجاری و انطباق پویا از کارآمدی لازم برخوردار نشده‌اند. اتخاذ چشم‌انداز نظری، تعیین سازوکار واگذاری تصمیم‌گیری و توان چانه‌زنی به بخش‌های کشاورزی و روستایی از راه‌حل‌های این موضوع است.

تقدم منافع فردی بر اجتماعی و تقدم عاملیت بر ساختار در لیبرالیسم اقتصادی، به آزادی بازار و تجارت انجامید و از اوایل قرن نوزدهم تا بحران ۱۹۲۹، دیدگاه مسلط در زمینه رشد اقتصادی بود. در نظریات کلاسیک، که فرآیند تحول سنت به مدرنیسم، روستا به شهر، کشاورزی به صنعت، تقسیم کار مکانیکی به ارگانیکی، احساس به عقل، و انتساب به اکتساب در پرتو گذار و تکامل تحلیل شده است، یگانه‌محرک فعالیت‌های انسان و عامل مسلط رشد و توسعه، جذب بیشترین منفعت در مقابل کمترین هزینه است. پس، انسان باید آزاد باشد تا اقتصاد شکوفا شود و دولت فقط سازوکارهای بازار را تسهیل می‌کند.

بحران ۱۹۲۹ و ناکارآمدی آموزه‌های لیبرالیسم اقتصادی، سبب اقبال عمومی به نظریه کینزی شد که دخالت دولت در اشتغال و تولید، و دریافت بهره را ضروری می‌دانست. این دیدگاه، که در طول نیم‌قرن، شکوفایی اقتصادی و ظهور دولت‌های رفاه را به دنبال آورد، در پی بحران ۱۹۷۹، با تسلط گزاره‌ها و اصول نئولیبرالیسم (زیر عنوان‌های لیبرال-دموکراسی، لیبرالیسم امریکایی، و رویکرد ریگانیسم-تاچریسم)، به مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی گسترده تجارت آزاد، و گسترش مالکیت خصوصی در دهه‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ انجامید، اما با اعلام شعار پایان تاریخ، که با فروپاشی شوروی و دیوار برلین، دوازده‌سال یکه‌تازی کرد، بحران اخیر نئوکینزی پدیدار شد.

در حوزه کشاورزی و روستایی، کشورهای درحال توسعه از الگوهای غربی تقلید کردند. این وضعیت، به‌خصوص بعد از جنگ جهانی دوم، فراگیر شد. البته، نگرانی شدید دولت‌های فاتح جنگ از تهدید صلح جهانی، ارائه طرح‌هایی را به دنبال آورد که برپایه آموزه امریکایی استوار شد: اینکه، کلید صلح جهانی، اشتغال و تولید جهانی است و همه کشورها، همه جوامع و همه انسان‌ها در برخورداری از صلح، رفاه، آموزش، بهداشت، و اشتغال برابرند. این انگاره، هم در میزان کمک کشورهای پیشرفته به کشورهای درحال توسعه مؤثر بود و هم در ظهور نظریات اندیشمندان غربی جهت رشد و توسعه کشورهای درحال توسعه، اما با وجود تلاش‌های اندیشمندان قطب‌های رشد و خیزش اقتصادی و با وجود کمک‌هایی که به کاهش مرگ‌ومیر اطفال این کشورها منجر شد، ارزیابی‌های مؤسسات جهانی، از جمله سازمان ملل و بانک جهانی،

نشان داد که کمک‌های مالی فساد اداری را افزایش داده و وضعیت ۴۰ درصد از فقیرترین مردم کشورهای درحال توسعه نه تنها بهبود نیافته است، بلکه در مقایسه با سال‌های ۱۹۵۰ بدتر شده است. به همین علت، سازمان ملل در اواسط دهه ۱۹۷۰ طرح تأمین کمینه‌های معیشتی را مطرح کرد، اما، با بروز علایم بحران ۱۹۷۹ و مسائل درونی کشورهای پیشرفته، این طرح انسانی نیز تقریباً فراموش شد. بسیاری از کشورهای درحال توسعه مقررات‌زدایی، خصوصی‌سازی و واگذاری صنایع و شرکت‌های دولتی را به تقلید از کشورهای پیشرفته و تحت فشار سازمان‌های بین‌المللی آغاز کردند و امروزه دچار بحران‌های ساختاری و هویتی هستند.

متأسفانه، آزمون و خطای کاربست الگوهای برون‌زای رشد اقتصادی در حوزه پیشرفت روستایی و توسعه کشاورزی بر وخامت اوضاع افزوده است. یکی از رویکردهای محلی توسعه روستایی، که در کشورهای شرق آسیا با عنوان‌ها و راه‌بردهای بومی اجرا شده است، رویکرد "یک ناحیه، یک محصول"^۱ است. در کشورهای ژاپن، هند، مالزی، اندونزی، تایلند، کامبوج، لائوس، و تایوان برنامه‌ها و طرح‌های توسعه روستایی، با استناد به شناخت و تحلیل استعدادها و فرصت‌های ناحیه‌ای، ترتیبات نهادی، مشارکت بومی اجتماعی متکی به مدیریت، برتری‌ها و مزیت‌ها تدوین و اجرا شده‌اند. واحد پایه در برنامه‌ریزی توسعه در آغاز یک روستا بود.

در اواخر دهه ۱۹۷۰، یکی از روستاهای کمتر توسعه‌یافته انتخاب و طرحی با عنوان "یک ناحیه، یک محصول" تعریف و اجرا شد و به این ترتیب یکی از رویکردهای بومی توسعه روستایی با تکیه بر روش‌شناسی و مزیت‌های محلی به مثابه الگویی مناسب در کشورهای جنوب شرق آسیا گسترش یافت. در این رویکرد، توسعه مشارکتی، با مدیریت اقناعی و وفاق جمعی، فرآیندها و روش‌های هماهنگ و مسئولیت‌محوری که دارد، می‌تواند به تجربه‌ای موفق برای مناطق دیگر نیز تبدیل شود.

تفاوت‌های بنیادین این رویکرد را، با اصول کارکردگرایی، نوسازی استاندارد و آمرانه، که در جریان اصلی توسعه یعنی مدرنیسم نهفته است، می‌توان در جهت‌گیری‌های شناختی و اجرایی تحلیل کرد. از میان صدها طرح موفق، که با اتخاذ رویه‌های منبعث از این رویکرد اجرا شده‌اند، می‌توان الگوهای مناسبی برای کشور انتخاب و اجرا کرد.

مراحل هشت‌گانه توسعه محلی در اوتاپ‌ها^۱

الف) ارزیابی امکان توسعه مشارکتی

در آغاز، گروهی از کارشناسان، با حضور در روستا و با همکاری همه اهالی، به شناسایی و مقوله‌بندی ویژگی‌ها، مسائل و نیازهای مردم می‌پردازند و در طول دوهفته گزارش وضع موجود را با جهت‌گیری مزیت‌های نسبی و انتظارات جمعی تهیه و تدوین می‌کنند.

ب) کارگاه تعیین محورهای توسعه

پس از شناسایی و تحلیل جامعه روستایی، نشست‌های عمومی و تخصصی برگزار می‌شود و با مشارکت فعالانه و استفاده از فنون تحلیل ماتریس و درختی، درخت مسائل و مشکلات، درخت مزیت‌ها، درخت راه‌بردها و درخت اهداف استخراج می‌شود. سپس، با اعمال فنون ماتریس تقاضی، سلسله‌مراتب انتظارات و اولویت‌ها بازتعریف می‌شوند.

ج) جهت‌گیری‌های عملیاتی

در این مرحله، با استفاده از فنون مشارکتی و اقدام پژوهشی و ارزیابی سریع، یک و حداکثر سه محور توسعه‌ای محدود و به‌دقت مشخص می‌شوند.

د) تدوین طرح توسعه‌ای

در این مرحله، با استناد به روش‌های پایین به بالا، هم چارچوب عملیاتی و زمان‌بندی منابع انسانی، مالی و فیزیکی مشخص می‌شود و هم فرآیندهای ساختاری و اداری در سطوح محلی، استانی و کشوری تبیین می‌شوند.

ه) واریسی و هنجارمندی

به‌منظور تصویب نهایی و طی مراحل سازمانی و نیز هماهنگی‌های بین‌بخشی و درون‌ناحیه‌ای، گروهی مرکب از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران محلی و ملی، با حضور در روستا و مشورت نهایی با اهالی، فرآیند تصویب طرح را تسهیل می‌کنند.

و) تسریع در تصویب و ابلاغ طرح

هرچند اجرای چنین طرح‌هایی در قالب ساختارهای سنتی و سلسله‌مراتب سازمانی امکان‌پذیر نیست، همکاری و هماهنگی به‌منظور پرهیز از تعارض، ندانم‌کاری و دوباره‌کاری ضروری است. در برخی از کشورها، عالی‌ترین مقام اجرایی، مانند نخست‌وزیر، این مهم را

۱. طی مطالعه میدانی نگارنده در طول سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۷ و نیز در کارگاهی مشارکتی با حضور کارشناسان هفده کشور و مشاهده میدانی در مناطقی از کشورهای جنوب شرق آسیا این مراحل به‌صورت عملیاتی و در قالب برنامه عمل (Action Plan) مقوله‌بندی شدند.

عملیاتی می‌کند و به همه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با جامعه روستایی، ضرورت اجرای طرح را ابلاغ می‌کند.

ز) اجرای مشارکتی طرح‌های توسعه‌ای

در مطالعات میدانی، مراحل و فرآیند اجرای این‌گونه طرح‌ها بررسی و ارزیابی شده است. برخی از مهم‌ترین آنها در حوزه‌های صنایع دستی، آب‌خیزداری، بسته‌بندی مواد غذایی، هنرهای تجسمی، گیاهان دارویی، صنایع تبدیلی، بازارهای محلی، عمل‌آوری قارچ خوراکی، تولید پوشاک و کیف و کفش، تولید نقره، و کشت ارگانیک به‌خوبی در کشور ما اجراشدنی هستند. اهمیت پایایی این طرح‌ها در به‌کارگیری نیروی انسانی بومی، استفاده از منابع و مواد اولیه محلی، به‌سازی و بازسازی فن‌آوری‌ها و ابزارها، بازاریابی و شبکه‌های ارتباطی و فروش جهانی، و از همه مهم‌تر، ارزش افزوده آنهاست. تسهیلات واگذارشده به روستاییان از جانب دولت نیز برگشت‌پذیر است و درنهایت، مالکیت و مدیریت طرح به مردم روستایی واگذار می‌شود.

ح) نظارت مستمر و هدایت میدانی طرح‌ها

هر طرح توسعه‌ای، هم در مرحله ایجاد و هم در مرحله بهره‌برداری، تحت نظارت کارشناسان محلی و حتی ملی کنترل و هدایت می‌شود. آموزش و تربیت نیروی انسانی، ارائه تسهیلات و اعتبارات ویژه، انجام مشاوره‌های تخصصی، کارشناسی، بازاریابی، فراهم‌آوردن امکان حضور در نمایشگاه، و حل اختلافات و ناسازگاری‌ها از جمله مواردی است که در یکی از اوتاپ‌ها صورت گرفته است. فرآیندهای ارزیابی و ارائه بازخورد نیز هم‌زمان است.

البته، این مراحل کلی و انتزاعی‌اند و هریک از اوتاپ‌ها و اووآپ‌ها فرآیندهای ویژه و منحصربه‌فردی را طی کرده‌اند؛ برای نمونه، در طرح کشت سیزال^۱ و محصول آن و ایجاد کارگاه‌های مربوطه^۲، در آغاز، یکی از مزارع در مقیاس کوچک به کشت سیزال اختصاص یافت و پس از کسب موفقیت نسبی، گسترش داده شد. امروزه، این طرح یکی از موفق‌ترین طرح‌هاست و برای حدود دویست نفر اشتغال‌زایی کرده است. مدیر آن نیز چهارسال در یکی از دانشگاه‌ها در همین رشته تحصیل کرده و استادکاران نیز تحصیلات عالی دارند. در کارگاه سیزال، حتی رنگ‌رزی محصول نیز با استفاده از رنگ‌های طبیعی (و نه شیمیایی) صورت می‌گیرد. در این کارگاه، تارهای حاصل، با استفاده از فن‌آوری‌های مناسب و رنگ‌دهنده‌های طبیعی، به انواع کیف، کفش، کلاه و... تبدیل و از طریق شبکه جهانی به کشورهای پیشرفته صادر می‌شوند. در کارگاه صنایع سفال نیز این فن‌آوری بازسازی و تولیدات متنوع راهی بازار شده‌اند.

1. Sisal

۲. در ناحیه‌ای از استان کانچانا بوری تایلند.

در سال‌های اخیر، که این‌گونه طرح‌ها در دورترین روستاهای تایلند، ویتنام و لائوس اشاعه یافته‌اند، در کشور تایلند نهادی با عنوان دپارتمان توسعه محلی^۱ زیر نظر نخست‌وزیر ایجاد شده و با بیش از یکصد هزار نفر کارشناس و تسهیلاتگر از هزاران طرح حمایت می‌کند و برای ده‌ها هزار نفر در مناطق روستایی اشتغال فراهم کرده است. این کشور در سال ۲۰۱۰، یکی از ده کشور برتر جهان در شاخص نیروی انسانی شناخته شده است.

ترتیب‌های نهادی در اجتماعات پویا

در طول تاریخ تمدن و زندگی اجتماعی، اندیشه، انگیزش و عناصر زیست‌جهان حول روابط اجتماعی، نهادهای جمعی، وجدان عمومی و تمدن کشاورزی محور شکل گرفت و عوامل فرهنگی، شخصیت و فرآیندهای اجتماعی شدن در جامعه کشاورز به ایستایی یا پویایی جوامع متفاوت منتهی شد.

غنی‌تر شدن ثروتمندان و ظهور نابرابری در ترتیب‌های نهادی متفاوتی ریشه دارد که به نقد الگوی انباشت امریکایی اعتبار بخشیده‌اند. یافته‌های حاصل از پژوهش‌های تاریخی و میدانی در امریکای شمالی و جنوبی، آفریقا، جنوب شرق آسیا و ارزشیابی تطبیقی کره جنوبی با کره شمالی، مکزیک با امریکا، هند و چین به طرح پرسش‌های ذیل انجامیده است:

- آیا وضعیت اقلیمی و سرزمینی (خاک حاصل‌خیز، آب فراوان، محیط سازگار با خلیات و رفتارهای انسانی) علت توسعه یا رکود است؟
 - آیا فرهنگ و ارزش‌های هنجاری، مانند تلقی کار به مثابه عبادت، محرک پیشرفت است؟
 - آیا چرخه آهنین گردش نخبگان و ساختار سیاسی متصلب عامل عقب‌ماندگی است؟
 - آیا کارکردگرایی و تقسیم اجباری مزیت جهانی، مدرنیته غربی و روابط نابرابر مرکز و پیرامون تبیین‌کننده تفاوت‌های سطوح توسعه هستند؟
- توسعه کشاورزی نقطه عزیمت نظریه‌های توسعه است. برخی از صاحب‌نظران توسعه صنعتی را تابع لگاریتمی جهش کشاورزی تحلیل کرده‌اند.
- چرا کشاورزی ایران، با گذار از فنودالیسم پراکنده مادها، فنودالیسم متمرکز ساسانی، خراج‌گزاری و تیول‌داری عباسیان، سیورغال مغولی و فنودالیسم مستبد صفوی، با تجاری‌شدن کشت و فروپاشی نظام ایستای ارباب-رعیتی و گسست‌های کنونی‌اش هم‌بسته است؟

آیا پاسخ این پرسش‌ها در نظریه شیوه تولید آسیایی، دیدگاه امپراتوری‌های آبی، استبداد شرقی، ناپایداری مالکیت امرای نظامی در دشت‌های حاصل‌خیز، و سامان اقتصادی مناسبات تولید محصول نهفته‌اند یا رهیافت نوین عمقی‌شدن کشت و کارآمدی نهادهای کشاورزمحور کلید پیشرفت کشاورزی ایران است؟

در تجربه جهانی، کارآمدی و اثربخشی نهادهای مردم‌محور ترجمان پیشرفت کشاورزی و ظهور نظام‌های پایدار کشاورزی است. چرا در کشور ما، با تجربه هشت‌هزارسال فرهنگ کشاورزی، تشکل‌های غیردولتی حائز کارکردهای چهارگانه ثبات الگویی، وفاق مشارکتی، تحقق اهداف و سازگاری پویا نیستند؟

در پاسخ به این مسائل محوری، نظریه‌ها و تشکل‌های جدید کشاورزی در ایران بررسی و تحلیل شده است. برطبق چشم‌انداز معرفتی، شاید بتوان با مرور منابع و یافته‌های حاصل از پژوهش‌های جهانی و میدانی، به رهیافت تازه‌ای از پیشرفت روستایی و کشاورزی دست یافت.^۱ در نظریه جدید توسعه، نکات ذیل حائز اهمیت است:

۱. توسعه فراتر از رهایی و به‌مثابه آگاهی است، ولی در میان عوامل محیطی خرده‌فرهنگ کشاورزی (تقدیرگرایی، توکل انفعالی، انیت‌گرایی، محلی‌محوری) عوامل آموزشی، فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی، که با الگوهای پیشرفته و چندمؤلفه‌ای تبیین شده‌اند، بیشترین واریانس را در سیاست‌گذاری یا برنامه‌های هنجاری یا دستوری تبیین کرده‌اند.

۲. کشاورزی ایران دهقانی و خانواده‌محور است و مانند کشورهای جنوب شرق آسیا از جمله تایوان به ترتیبات نهادی و ملاحظاتی نهاد خانواده وابسته است.

۳. بیش از ۷۰ درصد محصولات کاربر (۲۱ محصول)^۲ و نیمی از محصولات غذایی استراتژیک (گندم، برنج، ذرت و...) از واحدهای کشاورزی زیر دهکتار حاصل می‌شوند. این بهره‌برداری‌ها خانوادگی است و کمتر از ۳۸ درصد اراضی کشاورزی را به خود اختصاص داده است. این واحدها هم در خلق راه‌کارهای جدید و هم در استفاده از فن‌آوری‌های نوین برتر از واحدهای بهره‌برداری بزرگ‌مقیاس هستند. در راه‌برد کارآمد و نهادی خودکفایی کشاورزی، اولویت‌بخشی به بهره‌برداری دهقانی در امنیت غذایی و توسعه اجتماعات محلی تأثیر اساسی دارد.

۱. کتاب چرا ملت‌ها شکست می‌خورند از مهم‌ترین منابع پژوهش حاضر است.

۲. محصولاتمانند شلتوک، زعفران، سیب‌زمینی، لوبیا، خیار، گوجه‌فرنگی، عدس، صیفی‌جات دیگر و محصولات جالیزی را شامل می‌شود که در کشور ما به‌علت استفاده بیشتر از نیروی کار انسانی جهت مراحل آماده‌سازی زمین کاشت، داشت (به‌ویژه وجین) و برداشت به‌عنوان محصولات کاربر تعریف شده‌اند.

۴. عملکرد در هکتار در واحدهای خانوادگی، هم در زمین‌های دیم و هم آبی، هم در غلات و حبوبات و هم در باغ‌ها، به مراتب بالاتر از واحدهای بزرگ‌مقیاس است، به طوری که شاخص ۱۷۵ برپایه ۱۰۰ در محصولاتی مانند گندم و برنج به دست آمده است. کاهش طول دوره‌ها و نسبت اراضی آیش یکی از شاخص‌های عمقی شدن کشت است. در واحدهای خانوادگی و زیر هکتار، فقط ۱۲ درصد اراضی آیش است، ولی در واحدهای بزرگ‌مقیاس بالغ بر ۴۲ درصد زمین‌ها آیش است. راه‌برد نهادی گذار از کشاورزی ناپایدار به نظام کشاورزی پویاست که توزیع متناسب از اقتضائات آن است.

۵. از ۱۲۶ هزار آبادی کشور، تعداد ۴۵۰۸۵ آبادی پایه‌های کشاورزی ایران‌اند. تشکیل نهادی در آبادی، روستا، دهستان، بخش، شهرستان، استان و کشور محور همه ساختارهای دولتی و غیردولتی کشاورزی خواهد بود.

۶. در میان تشکلهای غیردولتی در بخش کشاورزی، تعاونی‌های کشاورزی، تعاونی‌های روستایی، شرکت‌های سهامی زراعی، تعاونی‌های مشاع، انجمن صنفی کارآفرینی کشاورزی، خبرگان کشاورزی، انجمن‌ها نیز اهمیت دارند.

۷. تشکیل بانک اطلاعاتی، شامل بهره‌برداران و تشکلهای متعدد دولتی و غیردولتی در بخش‌های شش‌گانه زراعت و باغبانی، دام و طیور، شیلات و آبیان، صنایع و فن‌آوری‌های کشاورزی، و خدمات ساختاری، اعتباری و تجاری اهمیتی کاربردی دارد. طراحی الگوهای کشت مطلوب، تحقق امنیت غذایی، ارتقای پایگاه کشاورزان، تکمیل زنجیره ارزش، انطباق پویای قواعد و منابع با ساختار و عاملیت پایداری مشارکتی و تعادل پویا نیز مقتضای دستیابی به اطلاعات جامع و تفصیلی است.

۸. فرآیند توسعه روستایی در سال‌های اخیر حالتی واگرا یافته است. قطبی شدن جمعیت روستایی و گسترش کانون‌های جمعیتی انفجاری و فاقد هویت در حاشیه شهرها، که بالغ بر دوازده میلیون برآورد شده‌اند، پیامد ناگوار ناهم‌سویی توسعه کشاورزی و روستایی است. متوسط اراضی و نسبت جمعیت فعال در بخش کشاورزی، در آبادی‌های کوچک و کم‌برخوردار، به شکل معنی‌داری، بیشتر از روستاهای بزرگ و برخوردار است. ناهماهنگی‌های شناختی، رویکردی، راه‌بردی و کارکردی به افزایش موانع و ایجاد کانون‌های بحران منجر شده است. ترتیبات نهادی با متحول شدن سیاست‌ها و ساختارها، از جمله آموزش، تحقیق و ترویج کشاورزی، اثربخش خواهد بود.

۹. برخلاف نظریات مدرن و نظریه‌های جبرگرا، که خانواده را مانع شکوفایی استعدادها و ارتقای منزلتی، و مانع توسعه تلقی کرده‌اند، امروزه، نهاد خانواده یکی از سه عامل امنیت،

کارآفرینی و نوآوری محسوب می‌شود. بیش از ۷۰ درصد از اختراعات در پرتو حمایت و اتکا به خانواده حاصل شده است. ادیسون، که هفتمین فرزند یک خانواده کشاورز سهم‌بر بود، امکان ثبت بیش از هزار اختراع را مدیون حمایت خانواده می‌داند.

۱۰. تکثر و تنوع فزاینده مشاغل و فعالیت‌های تخصصی، اصل تقسیم‌ناپذیری عوامل تولید و قانون بازده نزولی را مخدوش کرده است. جهش عنوان‌های شغلی از ۱۲ هزار به ۳۶ هزار در طول دهه‌های اخیر در ایران از مصادیق این یافته است. در فعالیت‌های سنتی کشاورزی، بیش از چهارهزار عنوان شغلی تشخیص‌دانی است. چنانچه حوزه فعالیت کشاورزی تا بازار و تجارت محصولات و شبکه تأمین نهاده‌ها تعریف شود، هم سهم کشاورزی از جی.ان.پی^۱ و هم تعداد عنوان‌های شغلی و جمعیت فعال بیش از دوبرابر برآورد می‌شود. بازتعریف مشاغل و حوزه فعالیت کشاورزی در فرآیندهای نهادی و ایجاد پارلمان کشاورزی ایران اهمیت راه‌بردی دارد. برطبق نظریه پایداری، فرصت خروج از رکود تورمی با هدایت دلارهای نفتی به سرمایه‌گذاری در جامعه روستایی و کشاورزی میسر است و امکان نجات صنایع داخلی نیز به همین وسیله فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت:

الف) یافته‌های بیش از دوده تجربه توسعه روستایی و نظریه‌پردازی توسعه، بر ضرورت پیشرفت روستاهای کشور تأکید دارد. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه، برای ایجاد و گسترش نهادهای ساختاری توسعه روستایی همت کرده‌اند و به موفقیت‌های شایان توجهی دست یافته‌اند، ولی جامعه روستایی در کشور ما، با وجود الگوی بدیل، کارآمد، مورد اعتماد، و اثربخش توسعه روستایی، تنزل کرده و سیری قهقرای داشته است.

ب) اگرچه نمایندگان مجلس به فقدان نهادی مقتدر در زمینه برنامه‌های توسعه روستایی و پایش و نظارت آن اذعان دارند، طرح‌های بخشی دردی از توسعه روستایی درمان نخواهد کرد و چه‌بسا بر بروکراسی و موانع اداری موجود بر سر راه توسعه روستایی نیز بیفزاید؛ زیرا پس از تشکیل شورایی با چنین سطحی از مقامات، تشکیل جلسات و پی‌گیری مصوبات آن، خود، به معضلی جدید تبدیل خواهد شد.

ج) سازوکار پیشرفت کشاورزی و توسعه روستایی کشور نیازمند نهادینه شدن ساختار توسعه مشارکتی روستایی ایران است. مقایسه تجربه موفق بازسازی مناطق روستایی رودبار و منجیل، که با فعالیت موفق جهاد سازندگی سامان یافت، با وضعیت تراژیک بازسازی روستاهای بهم، یکی از صدها ضرورت ایجاد و گسترش نهادی مانند جهاد سازندگی است.

د) بسیاری از وظایف تکلیفی جهت عمران روستایی که در حوزه نقش و کارکرد وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها و حتی در متن وظایف و قانون تشکیل وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها آمده است، در طول ده سال گذشته تحقق نیافته‌اند.

ه) هم در ساحت علمی و مطالعاتی، و هم در قلمروهای تجربی و انگیزشی، محرک‌ها و علیت‌هایی درباب نهاد توسعه روستایی کشور وجود دارد؛

تعالی ثانویه، با رویکرد حمایت‌گرایی جدید، گسست‌ها را تعدیل و فرصت پیشرفت جامعه روستایی و شکوفایی کشور را فراهم می‌کند. در کشور ما، در پرتو حمایت اجتماعی، اجرای حقوق شهروندی و توازن ارزش‌های مبادله‌ای، پایداری اجتماعات محلی تحقق و گسترش می‌یابد به‌علاوه، شکست چرخه نابرابری و فقر روستایی، از طریق توسعه مشارکتی روستاهای، گسترش سیستم‌های رفاه و تأمین اجتماعی کارآمد و بازآفرینی تعادل شهری و روستایی میسر است. بی‌تردید، با کنترل درآمدهای حاصل از خام‌فروشی، توسعه کشور تابعی از سطح پیشرفت اجتماعات محلی خواهد بود. تجربه کشورهایمانند چین، تایوان، مالزی و اوتاپ‌ها در سال‌های اخیر این مطلب را تأیید می‌کند.

جامعه روستایی در ایران خاستگاه تمدن بوده و همواره و تا دهه‌های اخیر از بهره‌وری بیشتری در مقایسه با جامعه شهری برخوردار بوده است. شوربختی کنونی و روند روزافزون نابرابری، احساس محرومیت نسبی، سیر قهقراپی سازگاری آغازین و افول نوآوری در وضعیت بحرانی، پیامد کاربست الگوهای تمرکزگرا و قطب‌محور نوسازی است.

بروز فزاینده بحران‌های هویتی و محیطی و ظهور پیامدهای ویرانگر کارکردگرایی، ساختارگرایی هنجاری، نوسازی استاندارد، عقلانیت افراطی، و رشد مادی به پدیدارهای نوظهوری در جامعه روستایی منجر شده است. تاب‌آوری جامعه روستایی و رهایی از نابرابری، بر تعالی انسانی، سرزمین‌گرایی، تنوع‌پذیری فرهنگی، و شیوه زیست‌جهان به‌مثابه چهار اصل هستی‌شناختی استوار است.

در سال‌های اخیر، گذار از راه‌برد مقابله‌به‌هم‌افزایی، که حاصل تحول در نظریات توسعه و پذیرش توسعه به‌مثابه آگاهی است، با الزامات و اقتضات ذیل هم‌بسته شده است:

- بازپذیرش جامعه روستایی به‌مثابه کلیتی متمایز از جامعه شهری در سازوکارهای دولت-ملت؛
- بازتعریف و تأمین حقوق روستایی در سطح حقوق شهروندی؛
- گسترش ترتیبات نهادی و مدیریت متکی بر اجتماعات محلی و روستایی؛
- ایجاد نهاد هماهنگی و مدیریت توسعه روستایی؛
- اجرای برنامه "هر روستا یک محصول"؛
- ایجاد کانون‌های دهستانی آموزش مجازی کشاورزان؛
- کشاورزمحوری به‌جای کشاورزی‌محوری در سطح بخش و کشاورزی برای توسعه در سطح ملی؛
- بسط فن‌آوری‌ها و ترویج نوآوری‌ها به‌ویژه در حوزه شبکه‌های مدرن آبیاری و کشت گلخانه‌ای برپایه ملاحظات اجتماعی و جامعه‌شناختی.

منابع

- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.
- ابراهیم‌پور، محسن (۱۳۹۳) «ضرورت هم‌راستایی پیشرفت روستایی و توسعه کشاورزی در برنامه ششم»، همایش ملی چشم‌انداز توسعه پایدار روستایی در برنامه ششم، بهمن ماه ۱۳۹۳، دانشگاه تهران.
- ابراهیم‌پور، محسن (۱۳۹۶) *عمقی‌شدن کشت: راهبرد توسعه کشاورزی ایران*، تهران: فرقلیم.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۷۴) *جامعه‌شناسی توسعه‌نیافتگی روستایی در ایران*، تهران: اطلاعات.
- ازکیا، مصطفی (۱۳۹۶) *شناسایی نظام‌های اقتصاد معیشتی در منطقه غرب کارون*، گزارش پژوهشی، تهران: وزارت نفت: مؤسسه بین‌المللی مطالعات انرژی.
- اوغلو، دروان عجم و جیمز ای. رایبسون (۱۳۹۶) *چرا ملت‌ها شکست می‌خورند*، ترجمه محسن میردامادی و محمدحسین نعیمی‌پور، تهران: روزنه.
- پطروشفسکی و همکاران (۱۳۵۷) *کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: دانشگاه تهران.
- تی‌بانگ وام، پی برتول (۱۳۷۷) *پایبندی کشاورزی*، ترجمه محسن تشکری، تهران: وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصادی کشاورزی.
- جرالددام، مایر و دادلی سیرز (۱۳۷۶) *پیشگامان توسعه*، ترجمه سیدعلی‌اصغر هدایتی و علی یاسری، تهران: سمت.

- حسینی، فرج‌الله (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی راه‌بردها، سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه روستایی در ایران و در کشورهای منتخب توسعه‌یافته و درحال توسعه، تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- دورن، پیتیر (۲۵۳۶) *اصلاحات ارضی و توسعه اقتصادی*، ترجمه احمد کریمی، تهران: امیرکبیر.
- رستمی، سمیرا و محسن ابراهیم‌پور (۱۳۹۳) «تغییرات در گذار دوم جمعیت»، هفتمین همایش ملی انجمن جمعیت‌شناسی ایران، تهران، خرداد ۱۳۹۳، دانشگاه تهران.
- روشه، گی (۱۳۶۶) *تغییرات اجتماعی*، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی.
- روکس‌برو، یان (۱۳۷۰) *بررسی نظریه‌های توسعه‌نیافتگی*؛ جامعه‌شناسی توسعه، ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: توسعه.
- ریترز، جورج (۱۳۷۸) *نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- رییس‌دانا، فریبرز (۱۳۸۰) *بررسی‌های کاربردی توسعه و اقتصاد ایران*، سه‌جلد، تهران: چشمه.
- زارعی، مجید (۱۳۹۷) سازوکارهای توسعه زنجیره تأمین محصول سیب‌زمینی، رساله دکتری، پردیس کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه تهران.
- زنجانی، حبیب‌الله (۱۳۹۰) «تغییر و تحول جمعیت روستایی ایران، از سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۹۰»، اولین کنفرانس بین‌المللی توسعه روستایی، تجارب و آینده‌نگری در توسعه محلی، زاهدان، دانشگاه سیستان و بلوچستان. دسترسی در: https://www.civilica.com/Paper-STRD-1002_01STRD.html.
- سن، ارماتیا (۱۳۹۴) *توسعه به مثابه آزادی*، ترجمه وحید محمودی، تهران: دانشگاه تهران.
- لمبیتون، ا.د.س (۱۳۳۹) *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: ترجمه و نشر کتاب.
- مرکز آمار ایران (۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰، ۱۳۹۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- مرکز آمار ایران (۱۳۵۲، ۱۳۶۷، ۱۳۷۲، ۱۳۸۲، ۱۳۹۳) سرشماری عمومی کشاورزی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی.
- میرزایی، محمد و همکاران (۱۳۹۶) "سالخوردگی جمعیت در ایران و هزینه‌های رو به افزایش بهداشت و درمان"، *مجله سالمند*، شماره ۴۵: ۱۵۶-۱۵۷.
- وثوقی، منصور (۱۳۹۴۷) *جامعه‌شناسی روستایی*، تهران: گیهان.
- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۹۲) *هزینه تولید محصولات کشاورزی*، اداره کل آمار و اطلاعات.
- وزارت کشاورزی (۱۳۸۹) *بررسی‌های آماری کشاورزی، ویژه‌نامه سال ۱۳۸۸*، اداره کل آمار و اطلاعات.
- Beckman, M. J. (2013) "Equilibrium models of residential land use". *Regional and Urban Economics* 3:361-368.
- Binswanger H. and P. L. Pingali. (2007) "The evolution of farming systems and agricultural technology in sub-saharan Africa." In *Policy for*

- Agricultural Research*, V.W.Ruttan and C.E. Pray (ed.). Boulder: Westview Press.
- Binswanger H. and P. L.Pingali. (1988) "Technological priorities for farming in sub- saharan Africa". *World Bank Research Observer* 3, No. 1:81-98
- Bosehart H.W.(1973)"cultivation intensity' settlement patterns. And homestead forms among the Matengo of Tanzania". *Ethnology* 12:57-74
- Boserup. E. (1995) *The Conditions of Agricultural Growth*. London: Allen and Unwin.
- Boseru, E.(1985) *The Conditions of Agricultural Progress*. London: Allen and Unwin.
- Carr S. (2002) "The impact of government intervention on smallholder development in north and east Ugana" *Agriculture Development Unit Occasional Paper No. 5* School of Rural Economics Wye College.
- Clark W.C. (2012) "From extensive to intensive shifting cultivation: A succession from New Guinea" *Ethnology*, 5:374-359
- Christenson. J. A. and Robivson J. W. (2009) *Community Development in Perspective*, U.S Lowal State Unirersity Press.
- Collinson M.P.(1997) "The economic characteristics of the Sukuma farming systems" *Economic Research Bureau Paper No. 72.5* University of Dar Es Salaam.
- Coleman D. and Schofield R. (1986) *The state of population Theory*, Basil Blackwell Ltd
- Degroot J.P. and Ruben R. (1997) *Sustainable Agriculture in Central America*, Great Britain Macmillan press L.T.D
- De kadt E. (2002) "Community participation". *World. Development*. Vol 10:537-585
- Goodell G. (1976) *The elementary structure of political life: Rural Development in pahlavi – Iran*. New York. Oxford.
- Greenhalgh S. (1984) "Networks and their nodes: Urban society in Taiwan" *The china Quarterly* 99:529-552
- Johnson. D. G. (2011) *World Agriculture Disarray*, Macmillan Press L.T.D.
- Lee R. E. (2008) *Population Food and Rural Development* (ed.) Oxford University Press.
- Lipton M (2009) "The place of agricultural research in the development of sub-Sharan Africa": Discussion Paper No. 202 Brighton: Institute of Development Studies –
- Mckeown. T. (1987) *The Modern Rise of population*. London.T.D
- McNicoll.G.and Cain.M. (2006) *Rural Development and population*. Oxford university press.

- Population studies. (2014) A Journal of Demography. Population Investigation
- Population Reference Bureau (2012) World population. Data sheet. U.S.A
- Rural Development Perspectives. (2013) United States. Department of Agriculture
- United Nations. (2010) *World Population Prospects. The Revision*. New York
- United Nations (2012) *World Population prospects*, New York.
- United Nations (2013) *Date Bases for populate Measurement*. New York.
- World Bank. (2010) *World Development Report 2009: Workers in the Integrating World*. New York: Oxford University Press.
- World Bank. (2018) *World Development Report*. New York: Oxford University Press.

